



سید محمد حسینی

سفر اسبق ایران در عربستان

بزرگ‌ترین حمله هوایی روسیه را آغاز جنگ اوکراین، شبه شب هفته پیش با حمله به ساختمان اصلی کابینه دولت اوکراین در کیف انجام شد. ساختمانی که محل استقرار کابینه دولت و دفتر وزرای آن است. طی یک سال گذشته دولت ترامپ که کشورش در کش دادن جنگ اوکراین نقش اصلی را بر عهده داشت، تلاش بی‌وقفه‌ای برای آتش بس و توافق میان اوکراین و روسیه را آغاز کرده که تاکنون به سد خواسته‌های حداکثری پوتین برخورد کرده است. آمریکا مطالباتش را از جنگ اوکراین کاهش و روسیه افزایش داده است اما هنوز نشانه‌ای از یک آتش بس جدید میان روسیه و اوکراین دیده نمی‌شود.

جنگ اوکراین از ۱۵ اسفند ۱۴۰۰ آغاز و به موضوعی پیچیده، با نقش آفرینی بازیگران متعدد، پرابهام و مملو از عدم قطعیت تبدیل شده است. مروری بر ۵۲ ماه گذشته یعنی از آغاز جنگ تاکنون دو سؤال بزرگ را پیش روی تحلیل‌گران روابط بین‌الملل قرار می‌دهد. نخست؛ در عصری که جنگ‌ها کوتاه و زمانبندی شده برنامه ریزی می‌شوند، چرا جنگ اوکراین به جنگی فرسایشی تبدیل شده است؟ دوم؛ در حالی که روسیه تصور می‌کرد ظرف دو هفته جنگ را به اتمام می‌رساند و برای جنگی کوتاه برنامه کرده بود؛ چرا پس از گذشت ۵۲ ماه حاضر به آتش بس نیست؟ در پاسخ به سوال اول باید گفت؛ جنگ اوکراین یکی از مولفه‌های اصلی تشدید بلوک بندی در نظام بین‌الملل وگذار از نظم کهن به نظم جدید بین‌المللی شده است.

آمریکا، اروپا، روسیه و چین بازیگران اصلی شکل دهنده به بلوک بندی جدید و بالمآل نظم آتی بین‌المللی هستند و نتیجه جنگ اوکراین در پیکربندی نظم آتی بسیار تعیین کننده خواهد بود. «استفان والت» نظریه‌پرداز «رنالیسم تدافعی» جنگ اوکراین را پایانی بر نظم تک‌قطبی با محوریت آمریکا دانسته است. والت با اکتشار یادداشتی در سال ۲۰۲۲ در نشریه «فارین پالیسی» استدلال کرده بود، این جنگ پایان دوران تک‌قطبی آمریکا را نمایان می‌کند و جهان را به وضعیتی بر می‌گرداند که به بهترین وجه توسط رئالیسم توضیح داده می‌شود.

«الت» در آن مقاله نوشته بود: «نتیجه جنگ اوکراین

هر چه باشد، بسیاری از ناظران بر این باورند که جنگ

تأثیر عمیقی بر شرایط گسترده‌تر سیاست جهانی خواهد

داشت. یک دوراهی بزرگ در مسیر جاده. اگر روسیه

شکست بزرگی متحمل شود، «نظم جهانی لیبرال» جان

تازه‌ای پیدا می‌کند و نیروهای روسیه شکست بزرگی را

متحمل می‌شوند. با پیروزی احتمالی روسیه، هتجرهای

جهانی علیه تصاحب قلمرو به زور تضعیف خواهد شد، و

احتمالاً سایرین این اختیار را خواهند داشت که هر زمان

که اوضاع ژئوپلیتیک به نفع آنها همسو شود، کمپین‌های

مشابهی را راه‌اندازی کنند. علاوه بر این من (الت) ماجرا را

جور دیگری نیز می‌بینم. جنگ در اوکراین یک رویداد مهم

است، اما نه به این دلیل که نتیجه آن فقط تأثیر مستقل

چشمگیری بر توازن جهانی قدرت یا محیط‌هنجاری ای

مهم است که نشان دهنده پایان لحظه تک‌قطبی است

که طی آن ایالات متحده تنها ابرقدرت واقعی جهان بود.

لحظه تک‌قطبی هرگز برای همیشه دوام نمی‌آورد، اما

اشتباهات فاحشی که هیچ‌کس هرگز نسبت بدان پاسخگو

نیست موجب مرگ وودرس آن شده است.

از سوی دیگر آنچه در مورد جنگ کنونی متفاوت است

این است که برای اولین بار از اوایل دهه ۱۹۹۰ اما نه برای

اولین بار در تاریخ- قدرت‌های بزرگ رقیب در دو طرف

یک جنگ بزرگ وجود دارند. این باگشت به الگوهای

آشنای درگیری‌های قدرت‌های بزرگ (و جنگ‌های

نیاپنی) است و نه چیزی جدید یا منحصر به فرد.» تا پیش

از جنگ اوکراین نظریه‌پردازان رئالیسم بر این باور بودند

که آمریکا برای مهار قدرت چین باید یک ائتلاف در منطقه

آسیا تشکیل دهد و حتی با روسیه نیز در زمینه مهار قدرت

چین همکاری کند اما جنگ اوکراین این تلاش را بر هم

زد. اولاً تمرکز آمریکا بر شرق آسیا به عنوان نقطه کانونی

تنش بین واشنگتن و پکن جلوگیری کرد و ثانیاً روسیه را به

طور کلی از اردوگاه غرب جدا و به چین نزدیک کرد. چین

سیاستی هوشمندانه در قبال جنگ اوکراین اتخاذ نمود.

چین بر دوستی پیش از جنگ خود با روسیه وفادار ماند

تا از آن برای افول اجتناب ناپذیر نظام تک‌قطبی آمریکا

بهره‌برداری می‌کند، تعمیق روابط با روسیه پس از جنگ

اوکراین همزمان با عدم مشارکت در جنگ اوکراین هم در

چارچوب مهندسی بلوک بندی نظام بین‌الملل توسط

چین صورت گرفته است، رویای چین ایجاد یک جایگزینی

برای نظم جهانی غربی لیبرال است که در آن چین سهم

قابل توجهی داشته باشد و به مثابه یک قدرت نوظهور

به یک قطب در نظام بین‌الملل تبدیل شود. «شی جین

پینگ» و «پوتین» می‌خواهند دنیا به محدوده‌های زیر

نفوذ چند کشور بزرگ تقسیم شود.

چین شرق آسیا را در اختیار بگیرد، روسیه حق وتویی بر

امنیت کل اروپا داشته باشد، آمریکا هم می‌تواند به خانه

خود در غرب اروپا و حیات خلوت خود در فرانکلتیک

با بگردد. پاسخ به سوال نخست، پاسخ به سوال دوم را

نیز سهل می‌کند. روسیه ناخواسته وارد جنگ فرسایشی

شد که برای آن برنامه ریزی نکرده بود. از نتایج این جنگ

فرسایشی، کاهش نفوذ روسیه در سایر مناطق از جمله

د قفقاز و خاورمیانه بود. نتیجه آن هم سقوط حکوت

بشار اسد، افزایش نفوذ رقیبایی نظیر ترکیه و اسرائیل در

خلا قدرتی بود که توسط روسیه در مدیترانه ایجاد شده

بود. ایضاً نفوذ آمریکا و ترکیه در قفقاز که در قرار دادا احداث

دالان زنگزو متجلی شد. از نتایج کاهش نفوذ روسیه در

قفقاز بود. اما مهم‌ترین هزینه روسیه اعمال تحریم‌های

سازمان یافته بلوک غرب علیه روسیه بود که سهم روسیه

را در شبکه تجارت جهانی به شدت کاهش داد و این کشور

را با بحران‌های اقتصادی مواجه کرده است.

فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

حمله اسرائیل به قطر

پیام مهمی به منطقه داد



اسرائیل همه قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشته است

طرح خاورمیانه بزرگ را قبول ندارم

آرمان ملی- احسان انصاری: اسرائیل در یک اقدام غیرمنتظره به جلسه رهبران حماس در خاک قطر حمله کرد که با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شده است. ارتش اسرائیل در پی‌انویه‌ای رسمی مسئولیت تجاوز هوایی تئوریستی به نشست سران حماس را در دوحه قطر را در حالی بر عهده گرفت که رهبران این جنبش به منظور بررسی طرح پیششهادی آتش بس در غزه از سوی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکاگردهم آمده بودند. نخست وزیر قطر با معکومیت شدید حمله رژیم اسرائیل به خاک این کشور آن را «تجاوز غیرقانونی، خائنانه و تروریسم دولتی» توصیف کرد و افزود: دوحه حق پاسخ قاطع به این حمله را برای خود محفوظ می‌داند. دونالد

حمله نظامی اسرائیل به رهبران حماس در خاک قطر چه

پیامدهایی برای منطقه خواهد داشت؟

توهم و خود بزرگ بینی می‌تواند دولتمردان را در هر کشور و جایی که باشند غیرقابل کنترل کند. این وضعیت امروز درباره نتانیاهو به وجود آمده است. وی با حمایت آمریکا دست به چنین اقداماتی می‌زند که آسیب‌هایی که حماس به اسرائیل وارد کرده را جبران کند. اتفاقی که رخ داده این است که اسرائیل در جنگ با حماس همه قوانین و حقوق بین‌المللی را زیر پا گذاشته است. رهبران این رژیم نیز بارها اعلام کرده‌اند که به هیچ قانون و قاعده بین‌المللی پایبند نیستند. رهبران حماس در یک منطقه مسکونی در قطر جلسه گذاشتند. هدف اسرائیل این بوده که رهبران حماس را ترور کند اما به هدف خود نرسید و چند نفر از نیروهای دیگر خان خود را ز دست دادند. در جنگ ۱۲ روزه نیز پس از اینکه آمریکا تأسیسات هسته‌ای ایران را مورد هدف قرار داد ایران نیز در واکنش به این اقدام پایگاه نظامی آمریکا را در قطار مورد هدف قرار داد. این اقدامات به دلیل اغتشاش در روابط بین‌الملل در قرن بیست و یکم رایج شده است. من امیدوارم کشورهای جهان به این نتیجه برسند که جنگ تنها راه بهترین راه برای رسیدن به هدف نیست. این وضعیت درباره همه کشورها صدق می‌کند. اگر کشورها در مسیر توسعه اقتصادی حرکت نمی‌کردند شاید تا به این اندازه قربانی نمی‌دادند و هزینه‌های کمتری پرداخت می‌کردند.

اقدامات اخیر اسرائیل وضعیت ناپایدار منطقه خاورمیانه را تشدید کرده و شرایط را غیرقابل پیش‌بینی کرده است. در چنین شرایطی احتمال افزایش تنش‌ها و درگیری‌های در منطقه وجود ندارد؟

اغلب کشورهای منطقه در مسیر توسعه اقتصادی حرکت می‌کنند و تمایل ندارند که این روند با درگیری‌های نظامی مخدوش شود. تنها کشورهای معدودی در منطقه حضور دارند که از جنگ استقبال می‌کنند یا به آن دامن می‌زنند. کشورهای عربی از اینکه کشورهای جنگ طلب فضای منطقه را پرآشوب کرده‌اند خرسند نیستند. این کشورها به دنبال این هستند که گروه‌هایی مانند حماس نیز در رویکرد خود تجدیدنظر کنند تا کشورهای عربی بتوانند به یک تصمیم حساب شده با مساله اسرائیل برسند. در همین روزهای اخیر مسأله تشکیل دولت فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به رأی گذاشته

اسرائیل کوچک‌تر از آن است که بتواند برای رهبری خاورمیانه برنامه‌ریزی کند.

نکته این است که اسرائیل برای نابودی

گروه‌های مخالف بی‌رحمی به خرج

می‌دهد و دنبال این است که این گروه‌ها

را نابود کند

ایران در این رأی‌گیری رأی مخالف نداد و بنا به مصلحت در این رأی‌گیری شرکت نکرد. این در حالی است که اغلب کشورهای جهان به تشکیل دولت فلسطین رأی دادند. در شرایط کنونی این موضوع که چگونه می‌تواند این رأی‌گیری را به آمریکا و اسرائیل تحمیل کرد جای سوال دارد. با این وجود نکته مهم این است که ایران در این موضوع رویکرد خود را نسبت به فلسطین به حمایت تغییر داد که اتفاق مهمی است و می‌تواند پیامدهای مثبتی برای ایران داشته باشد.

اقدامات اسرائیل پس از روی کار آمدن ترامپ برای بار دوم در آمریکا بیشتر شکل نظامی به خود گرفته است. آیا اسرائیل قصد دارد از فرصت حضور ترامپ در کاخ سفید برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ استفاده کند؟

من طرح خاورمیانه بزرگ را قبول ندارم و فکر می‌کنم طرح این موضوع بیشتر به نابودی اسرائیل و حمله به مواضع اسرائیل منجر شود تا اینکه واقعیت بیرونی داشته باشد. اسرائیل کوچک‌تر از آن است که بتواند برای رهبری خاورمیانه برنامه‌ریزی کند. اتفاقی که رخ داده این است که اسرائیل برای نابودی گروه‌هایی که علیه اسرائیل می‌جنگند بی‌رحمی به خرج می‌دهد و به دنبال این است که این گروه‌ها را نابود کند. اسرائیل از نظر سرزمینی و حمله‌اشکار و مسلحانه دشمن به خاک و سرزمین خاورمیانه تعیین تکلیف کند. البته که اسرائیل مورد حمایت آمریکا است و به همین دلیل تلاش می‌کند نسبت به مخالفان موجودیت

پدافند غیرعامل

صیانت از مردم و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی کشور

قراگاه‌های تخصصی را با موضوعات خاص تشکیل داده است که با همکاری دانیی تهدیدات انسان ساخت و ایجاد آمادگی لازم برای مقابله با آنها تمرکز دارند. این قراگاه‌های عبارتند از: قراگاه پدافند سایبری برای دفاع از فضای سایبری و زیرساخت‌های کشور در برابر تهدیدات سایبری؛ قراگاه پدافند الکترونیک که این قراگاه‌ها مطابق سند راهبردی پدافند الکترونیک، وظیفه دارد تا با احصای تهدیدات با استفاده از ظرفیت‌های علمی و صنعتی کشور طرح‌های خود را در جهت مصون‌سازی مراکز حیاتی و حساس کشور از منظر دفاع الکترونیک پیاده‌سازی نماید. قراگاه پدافند زیستی؛ برای دفاع از مردم در برابر تهدیدات زیستی و ممانعت از انتقال لودگی‌های انسان ساخت به مردم، محصولات کشاورزی و دامی، مواد غذایی و دامی، منابع آب، محیط زیست و منابع طبیعی؛ قراگاه پدافند شیمیایی؛ برای دفاع و محافظت از مردم و کنترل و کاهش پیامدهای ناشی از هرگونه نشت شیمیایی، صنعتی و تهدیدات شیمیایی دشمن؛ قراگاه پدافند پرتوی؛ برای دفاع از مردم و کنترل و کاهش پیامدهای ناشی از هرگونه نشت هسته‌ای و حوادث پرتوی؛ قراگاه پدافند کالبدی؛ برای مصون سازی، مستحکم سازی، پایداری سازی و حفاظت از زیرساختهای کشور با اعمال ملاحظات فنی و مهندسی در طرح‌ها و پروژه‌های کشور و قراگاه پدافند مردم محور؛ برای بشعار مردم یاری، مردم بانی و مردم داری، برای حفاظت از مردم در برابر حوادث و تهدیدات و همچنین ایجاد آمادگی برابر تهدباتی که مردم را مورد هدف قرار می‌دهد.

خود شدت عمل بیشتری به خرج بدهد. حماس در نیم قرن گذشته آسایش را از اسرائیل گرفته و به همین دلیل اسرائیل دنبال این است که این گروه را از بین ببرد. همه کشورهای جهان باید بد قوانین سازمان ملل را بپذیرند و یا از این سازمان خارج شوند. قطعنامه‌های سازمان ملل نیز برای همه کشورهای جهان لازم‌الاجراست. اسرائیل تاکنون قطعنامه‌های زیادی که از سوی سازمان ملل صادر شده را اجرا نکرده است. این وضعیت درباره مخالفان اسرائیل نیز وجود دارد. مهم‌ترین آنها قطعنامه ۲۴۲ است که نه اسرائیل آن را اجرا کرد و نه دشمنان اسرائیل. اگر این قطعنامه اجرا شود سایه جنگ از سر منطقه‌ای بین خواهد رفت.

واکنش قطر به حمله اسرائیل به رهبران حماس در خاک این کشور به محل بحث در ایران تبدیل شده است. آیا قطر واکنشی مناسبی به این اقدام از خود نشان داد؟

هنگامی که قطر اجازه می‌دهد رهبران حماس در خاک این کشور جلسه برگزار کنند، باید برای چنین اتفاقی آماده می‌بود. این وضعیت درباره حوثی‌ها در یمن نیز وجود دارد. در اتفاق اخیر نیز این قطر نبوده که ضربه خورده و بلکه ضربه اصلی را شورای فرماندهی حماس خورده که در خاک قطر تشکیل جلسه داده است. اسرائیل می‌خواهد این پیام را به کشورهای منطقه بفرستد که کشورهایی که از دشمنان این رژیم حمایت می‌کنند در معرض حمله خواهند بود. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که قطر اعتراض خود را از طریق دیپلماسی بیان خواهد کرد و وارد واکنش و تنش نخواهد شد. شاید برخی انتظار داشته باشند قطر دست به حرکت خاصی بزند که انتظار درستی نیست. قطر از هیچ گروهی خارج از مرزهای خود حمایت نمی‌کند و برای آنها توسعه اقتصادی و پیشرفت در اولویت نخست قرار دارد تا دامن زدن به این مسائل. نکته دیگر اینکه مسائل داخلی کشورها به روابط سیاسی در دیگر کشورها ارتباطی ندارد و آنها نمی‌توانند برای کشورهای دیگری تکلیف کنند که قطر باید چه واکنشی نسبت به اسرائیل نشان بدهد. قطر نیز چنین اجازه‌ای به کسی نمی‌دهد و اظهاراتی که برخی در این زمینه مطرح می‌کنند تنها مصرف داخلی دارد و برای کشورهای دیگر اهمیت ندارد. این وضعیت درباره در خاک کشورهای دیگر در مسائل داخلی ایران نیز وجود دارد و آنها نمی‌توانند در مسائل داخلی ایران دخالت کنند.

گزارش

هادی برهانی:

فرصت مناسب برای اجماع ایران و کشورهای منطقه

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به حمله رژیم صهیونیستی به جلسه سران حماس در قطر که به منظور بررسی طرح صلح غزه برگزار شده بود، اظهار داشت: این حمله با توجه به شرایط غزه انجام شده بود. اسرائیل برای نابودی حماس، از چند روز پیش حمله به شهر غزه را آغاز کرده بود و با حمله روز سه‌شنبه به جلسه سران حماس نیز می‌خواست این سازمان بدون رهبر و فرمانده شود تا هم به لحاظ عملیاتی آسیب ببیند و هم به لحاظ روانی شوکه شود و بدین ترتیب، کار رژیم صهیونیستی برای پیش‌روی و شکستن مقاومت حماس در غزه راحت‌تر شود.

علاوه بر این، دلیل دیگر حمله اسرائیل به قطر، جلوگیری از به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح غزه است تا بتواند همچنان به جنگ ادامه دهد جماران نوشت: هادی برهانی با اشاره به ابراز ناخشوندی ترامپ از حمله اسرائیل به قطر و در عین حال همراهی با آن گفت: ترامپ شخصیتی غیرقابل اعتماد و منافق است و فاصله بسیار زیادی بین حرف تا عملش وجود دارد. ترامپ در عین حال که چند ماه پیش در سفر به قطر، قرارداد‌های میلیاردی با این کشور بست و یک هواپیمای خصوصی از قطری هادی به گرفت، اما با حمله رژیم صهیونیستی به قطر موافقت کرد. اگرچه اغلب سیاستمداران جهان دو رو هستند، اما ترامپ بین آنان یک پدیده محسوب می‌شود. عضو دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران بیان کرد: همچنین تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر لابی اسرائیل قرار دارد به راحتی فریب صهیونیست‌ها را می‌خورد و در راستای اهداف آنان عمل می‌کند.

ترامپ همیشه شعار «اول آمریکا» سرمی‌داد، اما خصوصاً در دولت دومش به حدی در راستای حفظ منافع رژیم صهیونیستی عمل کرده که این شعار مضمحل شده و در حقیقت شعار «اول و آخر اسرائیل» را سرلوحه اقدامات خود قرار داده است. این موضوع، توان لابی صهیونیستی در پیچاندن ترامپ را نشان می‌دهد. وی با اشاره به واکنش قطر به این حمله، بیان کرد: احتمالاً در نتیجه این اتفاق، قطری‌ها به آمریکا برای تقویت امنیت کشورشان فشار بیاورند، کم‌کم این ترمپ نیز پس از حمله اسرائیل به قطر اعلام کرد که این کار دیگر تکرار نخواهد شد. اما بعید می‌دانم قطر طوری واکنش نشان دهد که روابطش با آمریکا مخدوش شود، زیرا برای حفظ امنیت خود به این کشور نیاز دارد. قطر کشور کوچکی است که اگرچه به لحاظ نظامی و امنیتی توان خاصی ندارد، اما به لحاظ سیاسی و رایزنی‌های بین‌المللی، بسیار توانمند و زیرک است. لذا حمله به قطر برای اسرائیل گران تمام می‌شود، کم‌اینکه تاکنون نیز به غیر از آمریکا که به ابراز ناخشوندی پسنده کرد، بقیه کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای همگی این حمله را محکوم کردند و احتمالاً این موج محکومیت کم سابقه، به یک حرکت بین‌المللی و وسیع تبدیل خواهد شد که هزینه سنگینی را به اسرائیل تحمیل می‌کند.

تصویب قطعنامه برای اخراج اسرائیل

برهانی با اشاره به اینکه در دو سال اخیر، اقدامات کشورهای عربی در برابر رژیم صهیونیستی از محکومیت لفظی فراتر نرفته است، عنوان کرد: این باعث شده اسرائیل جری‌تر شود و دامنه جنایات خود را گسترش دهد. شاید اگر کشورهای عربی قاطع‌تر در مقابل رژیم صهیونیستی می‌ایستادند، اکنون کار به این جانی‌رسید. اما من فکر می‌کنم حمله به قطر می‌تواند نقطه عطفی در رویکرد اعراب نسبت به اسرائیل باشد، چرا که این کشور دارای روابط بسیار خوبی با آمریکا و میزبان پایگاه‌های نظامی آن است و شریک آمریکا و ناتو در منطقه محسوب می‌شود و حال حمله به چنین کشوری، یک هشدار بزرگ برای دولت‌های منطقه است و نشان می‌دهد حتی دوستی با آمریکا هم به کمک کشورها نمی‌آید و اسرائیل هیچ توجیهی به این سوا می‌نارد.

وی ادامه داد: لذا حمله به قطر یک سیلی سخت برای کشورهای اسلامی و عربی بود و احتمالاً این کشورها موضعی محکم‌تر از گذشته را از خود نشان دهند. کشورهای عربی و اسلامی طی روزهای آینده در نشست‌در قطر شرکت خواهند کرد تا ضمن همبستگی با این کشور، در برابر گسترش جنایات رژیم صهیونیستی اعلام موضع کنند و احتمالاً تصمیمات ویژه‌ای را بگیرند. من اهمیت تأثیر این اجلاس را با اولین اجلاس سازمان همکاری اسلامی که در سال ۱۹۶۹ و در پی آتش سوزی در مسجدالاقصی، در شهر محکامه‌ای اسلامی که در سال ۱۹۶۹ و در پی آتش سوزی در مسجدالاقصی، در شهر سازمان شد، قابل مقایسه می‌دانم و احتمال می‌دهم که کشورها در این اجلاس تصمیم بگیرند که روابط خود با اسرائیل را قطع یا لااقل آن را به عنوان یک تهدید اعلام کنند. همچنین ممکن است در نشست اسمال مجمع عمومی سازمان ملل، کشورها اقدام به تصویب قطعنامه‌ای برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل کنند.